

نظریازی

اعتبار، خودش ساخته نمی‌شود



مهرداد احمدی‌شیخانی

♦ اعتبار هر چیزی به چیست؟ به عبارتی چگونه یک چیزی معتبر و چیز دیگری بی‌اعتبار می‌شود؟ مثلا شما می‌روید از یک بقالی یک کیلو پنیر بخردید و فروشنده می‌گوید قیمت یک کیلو پنیر می‌شود ۳۵۰ هزار تومان و شما تعدادی کاغذ مستطیل‌شکل رنگی به او می‌دهید و یک کیلو پنیر از او می‌گیرید. چگونه می‌شود که فروشنده این کاغذهای رنگی را قبول می‌کند و به جای آن به شما یک کیلو پنیر می‌دهد؟ شما می‌توانید این پنیر را بخورید و چون می‌توانید آن را بخورید و گرسنگی شما را رفع کند، دارای اعتبار است یعنی یک کار خاص از آن برمی‌آید و یک نیاز بخصوص شما را برطرف می‌کند، خودش برطرف می‌کند، همان یک کیلو پنیر و لازم نیست آن را بدهید و به جایش چیز دیگری بگیرید که حالا این دومی برطرف‌کننده نیاز شما باشد.

ولی اسکناس چه؟ آن مرد بقال می‌تواند اسکناسی را که به او داده‌اید، بخورد و سیر شود یا می‌تواند آن را بنوشد و تشنگی‌اش برطرف شود؟ قطعا نه و تازه حالا، خیلی سال است که دیگر همین چند تکه کاغذ را هم دیگر لازم نیست بدهید؛ یک کارت پلاستیکی با ویژگی مغناطیسی هست که آن را در شکاف یک دستگاهی می‌کشید و روی صفحه کوچک آن یک‌سری اعداد می‌آید و شما هم یک عددی وارد می‌کنید، یا به عبارتی یک‌سری کد و عدد، از یک جایی به یک جای دیگر منتقل می‌شود و یک فعل و انفعالاتی در شبکه‌ای از یک محل به محلی دیگر منتقل می‌شود و یک تکه کاغذ که روی آن یک اعدادی چاپ می‌شود، این انتقال را تأیید می‌کند و تمام. خوب به‌چه اعتباری جناب آقا یا خانم فروشنده این را قبول می‌کند؟ شما که حتی دیگر آن چند برگ کاغذ مستطیلی رنگی را هم به او ن داده‌اید؟ پس این اعتبار از کجا می‌آید؟

در تاریخ معاصر، وقتی صحبت از اعتبار و بی‌اعتباری می‌شود، «جمهوری وایمار» را مثال می‌زنند. جمهوری وایمار، با نام رسمی «رایش آلمان» به دوره‌ای از تاریخ این کشور، بین سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۳۳ اشاره دارد. دورانی از جمهوری پارلمانی فدرال که با پایان جنگ جهانی اول برای کشور آلمان شروع و با به قدرت رسیدن حزب نازی به رهبری «آدولف هیتلر» به پایان رسید. اما چرا جمهوری وایمار را برای اعتبار و بی‌اعتباری مثال می‌زنند؟ برای آنکه منظور رسانده شود مثلا به سال ۱۹۱۹ میلادی این جمهوری اشاره می‌کنند که یک قرص نان در آلمان به قیمت صد ماریک فروخته می‌شد و همان قرص نان در سال ۱۹۲۳ قیمتش صد میلیارد ماریک شده بود و این دقیقاً معنای اعتبار و بی‌اعتباری را می‌رساند، به طوری که مردم ناچار بودند برای خرید یک قرص نان، چندین کونی اسکناس به نانوا بدهند که می‌شود همان مثال آشنا برای ما که یک تکه کاغذ سفید چاپ‌نشده، بسیار ارزشمندتر از هزاران اسکناس با همان ابعاد بود.

اما اعتبار چیست؟ اعتبار یک داستان است که شنونده داستان باید به آنچه گوینده می‌گوید باور داشته باشد تا آن داستان معتبر شود، والا چگونه قرار است یک کارت پلاستیکی که از طریق تماس مغناطیسی، یک کد را جابه‌جا می‌کند فروشنده بپذیرد؟ این اتفاق فقط زمانی رخ می‌هد که فروشنده، داستانی را که پشت این کارت وجود دارد و از زبان آن کسی که چنین کارت‌هایی را در اختیار مردم قرار می‌دهد باور داشته باشد و این باور به آن اعتبار انجامیده باشد.

باوری که بسیار زمان می‌برد تا به وجود آید و البته به‌سادگی هم ممکن است از دست برود و چیزی از اعتباری که در طول سال‌ها ساخته شده باقی نماند و این برای اهالی هنر موضوع آشنایی است. موضوعی که خود را در برپایی بی‌ناله‌ها به اهالی هنرهای تجسمی نشان می‌دهد و برای فعالان هنر در ایران، این اعتباربخشی، با اولین بی‌نال نقاشی و مجسمه‌سازی به همت «مارکو گرگوریان» در سال ۱۳۳۷ آغاز شد، جایی که «کاخ ایض» میزبان ۴۹ هنرمند با ۳۰۰ اثر بود، تا بردگان آن برای شرکت در بی‌نال ونیز معرفی شوند. درست‌دست کرید ماجرا چگون‌ه بود؟ ۴۹ هنرمند، ۳۰۰ اثر را در یک بی‌نال شرکت داده‌اند تا کارها توسط اوردان قضاوت شوند و آثار برگزیده به بی‌نال ونیز ارسال شود. دبیر این بی‌نال کیست؟ یکی از معتبرترین هنرمندان و نقاشان زمان خود. اتفاقی که می‌افتد، اعتبار ایجاد می‌کند، چراکه معلوم است آنچه رخ داده، چه مسیری را طی کرده تا در نهایت، منتخبان به ونیز برسند.

دوسالانه‌ها مانند بسیاری فعالیت‌های فرهنگی دیگر در کشورمان، بعد از انقلاب متوقف شدند، تا آنکه تا همت مرحوم استاد «مبیز» و با اولین دوسالانه گرافیک، دوباره چرخ برگزاری دوسالانه‌ها شروع به حرکت کرد و پس از دوسالانه گرافیک، دوسالانه نقاشی هم در سال ۱۳۷۰ کار خود را آغاز کرد و به‌مرور با تشکیل نهادهای هنری مانند «انجمن صنفی طراحان گرافیک ایران»، «انجمن هنرمندان نقاش ایران»، «انجمن عکاسان»، «انجمن مجسمه‌سازان» و دیگر انجمن‌های هنری، این بی‌نال‌ها متولی مشخصی برای برگزاری یافت. انجمن‌هایی که قوام‌شان در دوره هشت‌ساله اصلاحات بود ولی با ورش تندباد «مجزه هزاره سوم»، برگزاری‌شان به محاق رفت و دست اهالی هنر از برگزاری آنچه خود ساخته بودند کوتاه ماند و جای آن بی‌نال‌های تجسمی را «جشنواره هنرهای تجسمی فجر» گرفت. جشنواره‌های تماما دولتی که نقشی برای نهادهای هنری قابل نیست و برگزارکنندگان و دبیر و داور و همه ساختارشان را نهادی کاملا دولتی و بدون دخالت هیچ نهاد صنفی و انجمن هنری سازمان می‌دهد و جایزه می‌دهد و به‌به و چهچه می‌کند و بعدتر، آثار و افرادی سر از بی‌نال ونیز درمی‌آورند که معلوم نیست چگونه و از چه مجریایی انتخاب و اعزام شده‌اند و می‌روند و می‌آیند و می‌شود یک وایمار. اعتبار به

این سادگی ساخته نمی‌شود،

ولی خیلی ساده و به‌سرعت

از دست می‌رود. یادم هست

یک موقعی برای اینکه

کارم به دوسالانه گرافیک

تهران راه پیدا کند، چه شور

و التهایی داشتم ولی الان

حتی نمی‌دانم چند دوره از

برگزاری جشنواره هنرهای

تجسمی فجر می‌گذرد. اعتبار

از باور حاصل می‌شود و این

دیگران‌اند که باید اسکناس

وایمار را باور کنند، هر چقدر

هم‌که وایمار خودش را

معتبر بداند.



چگونه باید با اثر هنری مواجه شد؟

بد نگوییم به مهتاب، اگر تَب داریم*



حسین کنجی

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران

حسین کنجی، ۳۰ ساله، مدیر هنرهای تجسمی در گالری آریا، تهران



سمت راست: آخرین خودنگار و سمت چپ: نقاشین خودنگار.

۱۰گام برای مواجهه با یک اثر هنری

همان‌طور که گفته شد، هنگام مواجهه با یک اثر هنری، مهم است که با ذهنی باز و کنجکاو به آن نزدیک شوید و از آن مهم‌تر اگر درکی از آن به دست نمی‌آورید، باهوش باشید و

آن را رد یا از آن خدای نکرده بدتر، مسخره نکرده و عبور کنید.

در اینجا می‌خواهم به شیوه خودآموزهای آموزشی، موضوع را

قدری ساده‌سازی کنم و چند گام برای مواجهه با یک اثر هنری

و رسیدن به درکی حداقلی از آن را پیشنهاد دهم.

۱. قدرت و شیوه طراحی و خطوط از ابتدای هنر کلاسیک تا

هنر معاصر اسرورز، راهی برای فهم اثر هنری بوده و می‌توانند

چشم شما را به اطراف اثر هنری هدایت کنند و حرکت یا ثبات

را در آن نشان دهند. طراحی و خطوط در کنار رنگ بخشی

از القیای هنر است، حتی وقتی با اثری مواجه می‌شوید که

هیچ‌کدام از آنها را ندارد.

۲. بعد از رهگیری خطوط، اشکال را شناسایی کنید. به

دنبال اشکال هندسی یا فرم‌های شناخته‌شده باشید که توجه

شما را جلب می‌کند و در نظر بگیرید که هنرمند به چه دلیلی

و برای انتقال چه پیام و منظوری از آنها استفاده کرده است. در

این مسیر حتی توجه به فرم و قالب اثر هم مهم است.

۳. به رنگ و نحوه استفاده از آن دقت کنید. رنگ‌ها هم

می‌توانند حالات و احساسات مختلف را برانگیزند یا نمایندگی

کنند و شیوه استفاده از آنها راهی برای بیان و انتقال پیام توسط

هنرمند هستند.

۴. بافت و ضربه‌های قلم‌مو را با دقت نگاه کنید. در

هنر کلاسیک تلاش بر این بود که ضربه قلم پنهان شود که

مخاطب آنها را نبیند و حس کند با یک اثر طبیعی و ارگانیک

روبه‌رو است و در هنر مدرن عامدانه‌ها ضرب قلم به نمایش

گذاشته می‌شود و در هر دو منظوری وجود دارد. روشی

که یک هنرمند رنگ را اعمال می‌کند، می‌تواند به اثر عوق،

جذابیت و ابعاد دیگری بیفزاید و به شما بینشی درباره تکنیک

هنرمند ارائه کند. در دوران رواج هنر مدرن از حوالی دهه

۱۸۶۰ تا دهه ۱۹۶۰، هنگام تجزیه و تحلیل این هنر، بر عناصر

شکل‌دهنده آن مانند اشکال، رنگ‌ها و ترکیب‌بندی و اینکه

چگونه این عناصر و ایده‌ها یا احساسات کنار یکدیگر قرار

گرفته‌اند، تمرکز شد.

۵. تحقیق و مطالعه‌ای کوتاه درباره زندگی و دیدگاه‌های

هنرمند و درک پیشینه و زمینه‌ای که در آثارش را در آن خلق

کرده‌اند، می‌تواند در درک بهتر و عمیق‌تر آثار، کمک کند. پس

بهتر است متن‌های پیرامون آثار همچون استیمنتز و بیوگرافی

هنرمندان، مصاحبه‌ها و اظهارنظرهای شان (خصوصا

هنرمندان معاصر) را بخوانید.

۶. نسبت به زمینه تاریخی که اثر در آن خلق شده،

بی‌تفاوت نباشید. بسیاری از آثار هنری پاسخی به وقایع تاریخی

یا تفسیری درباره آن هستند.

۷. ژانر و سبک اثر هنری را بیابید. تشخیص اینکه آیا اثر

هنری منظره، پرتره، نقاشی تاریخی یا طبیعت بی‌جان است

می‌تواند به شما کمک کند آن را در یک سنت هنری گسترده‌تر

قرار دهید و آن را بهتر درک کنید.

۸. صبوری به خرج دهید و زمان کافی برای تماشای اثر

هنری بگذارید. هرچه بیشتر نگاه کنید، ممکن است جزئیات،

مفاهیم و درک بهتری پیدا کنید.

۹. معنای خود را بسازید. از تخیل خود برای تفسیر اثر هنری

استفاده کنید. اینکه اثر هنری چه داستانی برای شما تعریف

می‌کند و چه ارتباطی با تجربیات یا دنیای اطراف شما دارد؟ با

طرح این سؤال شما هم داستان خود را می‌سازید و در مقام خالق

یک اثر هنری قرار می‌گیرید که برداشت و تفسیر شخصی و متمایز

خود را دارد و می‌توانید آن را با دیگران به اشتراک بگذارید.

۱۰. در بحث شرکت کنید و درباره اثر هنری گفت‌وگو کنید.

دیدگاه‌ها و برداشت‌های افراد مختلف درباره یک اثر می‌تواند

در درک بهتر آن به شما کمک کند.

به یاد داشته باشید که مواجهه با یک اثر هنری، مثل

مواجهه با طبیعت و جهان و در یک قالب کلی زندگی، یک

تجربه شخصی و متمایز است که می‌تواند به اندازه خود اثر

هنری منحصربه‌فرد باشد. از روند کشف لذت ببرید و اجازه

دهید اثر هنری به روش خود با شما صحبت کند. و اگر از

تمامی مسیر فوق نتوانستید به درکی از اثر هنری برسید، توصیه

اکید دارم آن را مثل هر چیز جدید در دنیا رد نکنید، بلکه راه‌حل

و مسیر خودتان را برای ارتباط با هنر پیدا کنید. هر عمیق‌ترین

تجربه انسانی است که مثل هر حوزه‌ای در حال رشد است و

باید برای فهم زمانه خود به درکی از آن رسید.

❖بخشی از شعر سهراب سپهری

گالری

نگاهی به جایگاه و نقش و حضور هنرمند

یکی به نعل و یکی به …



امین شاهد

منتقد

جایگاه و حضور هنرمند در جامعه

و فرهنگ معاصر از زوایای مختلف

قابل بررسی است. هنرمند با آثار خود

نه‌تنها به زیباسازی و غنای فرهنگی

جامعه کمک می‌کند، بلکه به‌عنوان

ناظر و مفسر اجتماعی نیز نقش مهمی

در آگاهی‌بخشی و انتقال پیام‌های

اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دارد. اما

بیشتر هنرمندان از جایگاه اجتماعی،

تأثیرگذاری و نقشی که به واسطه تعهد

وجدانی بر کرده آنهاست و واکنش‌های

درست در زمان‌های مناسب بی‌اطلاع

هستند و گاهی مورد نقد و شماتت قرار

می‌گیرند.